

بوم خبر

نمایشگاه مجازی از آثار کودکان کار



فروش آنلاین آثار هنری کودکان کار و حاشیه‌نشین ویژه زمستان ۱۳۹۸ بر گزار می‌شود. این نمایشگاه توسط گروه

«هوای تازه امروز» گردآوری شده و در ادامه فعالیت‌هایی است که در جهت آموزش و حمایت از کودکان کار انجام می‌شود. این گروه علاوه بر نمایشگاه‌های مجازی، پیش از این نمایشگاه‌هایی از آثار کودکان را در خانه‌ها هنرمندان و... نیز برگزار کرده بود. بر گزار کنندگان نمایشگاه در موضوع نقاشی بچه‌ها دخالتی نکردند و تمامی نقاشی‌ها آزادانه و به انتخاب خود بچه‌ها کشیده شده است. علاقه‌مندان برای خرید آثار یا کسب اطلاعات بیشتر درباره روند تهیه و فروش این نقاشی‌ها، نحوه پرداخت دستمزد کودکان و مراحل کار می‌توانند به صفحه اینستاگرام artworks_@ of_child_labour یا کانال https://t.me/Childrenspaintinggallery مراجعه کنند.

آثار میر عماد، گلزار و اسماعیل جلایر به نمایش در می‌آید

نمونه‌های نادیده خوشنویسی در موزه ملی ایران



نمایشگاه «قلمی چند از گنجینه ملک مدنی» با حمایت گالری ترانه‌باران برگزار کننده حراج باران در موزه ملی ایران برگزار شد.

نمونه‌های نادیده از «هنر خوشنویسی» در قالب نمایشگاهی با عنوان «قلمی چند از گنجینه ملک مدنی» یک‌دمی در موزه ملی ایران به نمایش در آمده است. در این نمایشگاه که از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در موزه مادر ایران در خیابان امام خمینی (ره)، خیابان شهید تیر، موزه ملی ایران برگزار می‌شود، علاوه بر نمایش آثار خوشنویسی مجموعه «میر عماد حسن ملک مدنی»، از مجموعه داران دارای مجوز از وزارتخانه میراث فرهنگی، آثاری از میر عماد، میرزا غلامرضا اصفهانی، زین‌العابدین اصفهانی، گلزار، اسماعیل جلایر و ملک محمد قزوینی نیز به نمایش در می‌آیند. آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی مانند دیوان اشعار قطعات ظریف هنری یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار رفته‌است. این در حالی است که خط ننداعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی داشته‌است. هر چند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌بردند، اما اوج هنر نمایی آنان – بر خلاف خوشنویسان ایرانی – در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن واحادیث وجود دارد. در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که ننداعراب و رواج بیشتری دارد.

نمایشگاه چهره و سردیس‌ها در موزه خلیج فارس کیش

نمایشگاه چهره و سردیس در سه رشته هنری، بهمن ماه در موزه خلیج فارس برگزار می‌شود. نمایشگاه چهره و سردیس‌ها در رشته‌های هنری نقاشی، نگارگری و مجسمه‌سازی در موزه خلیج فارس کیش برگزار می‌شود. هنرمندان علاقه‌مند به شرکت در این رویداد می‌توانند آثاری با تکنیک و ابعاد آزاد را بدون محدودیت در سبک و اجرا به این رویداد ارسال کنند. نمایشگاه چهره و سردیس‌ها با هدف نمایش و فروش آثار هنری با محوریت چهره و سردیس در بهمن ماه ۱۳۹۸ در مجموعه هنری و موزه خلیج فارس کیش و با حمایت سازمان منطقه آزاد کیش و مدیریت هنری معاونت فرهنگی و اجتماعی کیش و مدیریت و هنر گردانی موسسه طرح فضا- گروه فرابر گزار می‌شود. نفرت اول تاسوم منتخب هیئت‌داران و یک انتخاب مردمی در سه رشته نقاشی، نگارگری و مجسمه‌سازی، علاوه بر پرداخت هزینه‌های حضور به‌صورت میهمان ویژه؛ مهمان دوره رزیدنسی (اقامت هنری) بهارانه سال ۱۳۹۹ در جزیره کیش نیز می‌شوند. مهلت ارسال طرح‌های اولیه ۵دی ماه است و نمایشگاه آثار ۳ بهمن تا ۱۵ اسفند برگزار می‌شود.

راهبردهای نوین هنرهای شهری، اشتراک گذاشتن تجارب، احیای حافظه جمعی و مشارکت مردم و هنرمندان در تحولات مدنی است؛ و بدین سبب بسیاری از جوامع پیشرفته معاصر با درک اهمیت مسئله و با کار بست تمهیدات لازم، هنرهای شهری را در جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی به خدمت می‌گیرند

سیاسی و گاهی اعتراضی انگاشته می‌شود که بر اساس ایده‌ها و درونیات هنرمند شکل می‌گیرد. بدیهی است در این رویکرد هنر شهری اساساً مدیریت شده و هدایت شده نیست. اصطلاحات مختلفی نظیر هنر-همگانی (پابلیک آرت)، «هنر شهری» و «هنر خیابانی» در ارتباط با بیان هنر در شهر مطرح شده است. یک بررسی اولیه نشان می‌دهد که اصطلاح هنر خیابانی بیشتر به هنرهای غیر رسمی همچون گرافیتی پرداخته و جامعیت لازم در بررسی گونه‌های مختلف هنر شهری را ندارد. دو اصطلاح دیگر از لحاظ مفهومی به هم نزدیک بوده که در ادبیات و متون شهر سازی جایگاه اصطلاح هنر همگانی یا عمومی پررنگ تر است. در واقع اصطلاح «پابلیک» را می‌توان به عرصه عمومی شهر تعبیر کرد که در عین حال عموم شهروندان را نیز در بر می‌گیرد. مفهوم پابلیک یکی از حوزه‌های مورد مناقشه در تعریف هنر عمومی یا همگانی است. از نگاه دیگر با توجه به قرار گرفتن گونه‌هایی همچون هنر زمین در دسته هنرهای عمومی، که خارج از شهر قرار دارند، به نوعی می‌توان گفت واژه هنر عمومی عام تر از هنر شهری بوده و هنرهای شهری می‌توانند به عنوان مهم‌ترین دسته هنرهای عمومی مطرح شوند. در واقع می‌توان گفت باز نمود هنر عمومی در شهر همان هنر شهری است و در بستر شهری هر دو اصطلاح یک مفهوم را القای کنند. نگاه به ادبیات این حوزه نیز نشان از این موضوع دارد. در واژه شناسی فارسی اصطلاح «هنر شهری» جهت بررسی هنر در شهر گویایی بیشتری دارد.

این رسانه کمتر به هنرهای تجسمی می‌پردازد، هر چند که کم کاری تلویزیون را در سال‌های اخیر تا حدی روزنامه‌ها و مجلاتی جبران می‌کنند که چه به صورت تخصصی و چه به صورت عام به مقوله هنر می‌پردازند و اطلاعاتی را در اختیار عموم مردم می‌گذارند. بخشی از آموزش در این زمینه هم باز می‌گردد به فضاهای عمومی مرتبط با هنرهای تجسمی در جامعه که باید مردم را در معرض هنر قرار بدهند؛ مثل موزه‌ها، گالری‌ها و مکان‌های هنری. در کشور های پیشرفته، نهادهای NGOهایی وجود دارد که کارشان علاقه‌مند کردن مردم عادی به هنر است، مثلاً این که چطور مردم را از جلو تلویزیون به موزه‌ها بکشانند و یا چطور به کودکان آموزش‌های هنری بدهند. پس یک راه‌حل برای آشنایی مردم با هنرهای عام تجسمی این است که باید هنر و فرهنگ جدی گرفته شود؛ تا به آنجا که به عنوان یک ضرورت و نه به عنوان یک تفتن در زندگی به حساب بیاید. در این راستا بودجه‌های هنری برای مدیریت هنری کشور در نظر گرفته شود. سلیقه، ساخته‌شدنی است و بر همین اساس است که به‌خصوص برای آشنایی مردم با هنرهای مدرن و معاصر و تغییر سلیقه آن‌ها جایگاه آموزش لازم و ضروری می‌نماید، در واقع مردم باید بخوانند و ببینند تا بتوانند به تدریج از این نوع هنر لذت ببرند. به طور کلی در یافت فرهنگ نیازمند نوعی آموزش است، چون پروسه و سیر فهم آثار هنری از مسیر تاریخ هنر می‌گذرد.

مانند جشن‌ها، جشنواره‌ها و برنامه‌های هنری در راستای توسعه فرهنگی و بهبود و بالا بردن کیفیت زندگی و نشاط شهروندان از راه کنش‌ها و فعالیت‌های هنری در فضاهای شهری؛ بدین سبب بسیاری از جوامع پیشرفته معاصر با درک اهمیت مسئله و با کار بست تمهیدات لازم، هنرهای شهری را در جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی به خدمت می‌گیرند

هنر شهری از اشکال رسمی تا غیر رسمی

وقتی سخن از رخداد های هنری در شهر های ز نیم، باید توجه داشته باشیم که به طور عمومی با دو وجه متمایز در این ارتباط روبه رو هستیم. همانگونه که پیش از این اشاره شد، بخشی از اتفاق هایی که در عرصه عمومی شهر و تحت عنوان هنر شهری بر نامه ریزی می شوند رخداد هایی رسمی هستند که با کار کردها و راهبردهایی از پیش تعیین شده از سوی نهاده ا و ارگان های دولتی یا خصوصی و در چارچوبی کاملاً مشخص از جمله فستیوال ها به عرصه های عمومی می آیند. اما هرگز نمی توان امکان بروز رخداد های هنری را به اشکال رسمی آن محدود کرد؛ چرا که در مقابل، گاهی هنرمندان تمایل نشان می دهند که خارج از قواعد و هنجار های شهر و اجتماعی حضوری از جنس هنر را در عرصه های عمومی جلوه بدهند که اساساً کارکردهایی متفاوت و حتی در تقابل با اشکال رسمی هنر های شهری را دنبال می کنند.

احسان رنجبر پژوهشگر هنری در این ارتباط می نویسد: باید خاطر نشان کرد که در بررسی هنر های شهری دو نگاه تحلیلی کلی را می توان دنبال کرد.

در نگاه اول هنر شهری جنبشی مردمی،



بخشی از اتفاق هایی که در عرصه عمومی شهر ها بر نامه ریزی می شوند رخداد هایی رسمی هستند که با کار کردها و راهبردهایی از پیش تعیین شده و در چارچوبی کاملاً مشخص از جمله فستیوال ها به عرصه های عمومی می آیند. اما هرگز نمی توان امکان بروز رخداد های هنری را به اشکال رسمی آن محدود کرد

اگر چه گونه هایی از «هنر های شهری» مردمی از کهن ترین روز گاران وجود داشته اما تا اوایل نیمه اول سده بیستم

و از حدود سال ۱۹۶۰ و پیدایش مفهوم بروز می باید که البته عمده اشکال آن چون فستیوال ها و گردهم آبی های هنرمندان عموماً در حوزه رخداد های رسمی هنر شناسایی می شوند. رضا خدادادی مدرس هنر در ارتباط با پیشینه و کارکردهای این شکل از ارائه هنر می گوید: مطالعات تاریخی بیانگر آن است که هنر پدیده‌ای جدانشدنی از جریان زندگی و تکامل شهری است.

که ارائه‌ی هنرمند در آن‌ها به چیزی فراتر از اثر هنری منجر می‌شود. در این صورت است که به مخاطب اجازه‌ی حفظ فاصله با اثر داده نمی‌شود تا امکان زیست مشترک او اثر فراهم آید. چنین غیبتی را می‌توان به معنای غیبت نقادی هنرمند در قبال تاریخ، مناسبات جاری در اجتماع و به ویژه در قبال راهبردهای تحمیلی کارگزاران هنری و نهادهای قدرت هم دانست؛ امری که فاعلانگی هنرمند را در تعیین استراتژی‌های مستقل به زیر می‌کشد.

«هنر»؛ پدیده‌ای جدانشدنی از جریان زندگی

در حالی که امروزه رخداد های هنری بخشی جدایی ناشدنی از حیات اجتماعی شمرده می‌شود، اما در کشور ما این شکاف و فاصله میان زیست شهری و رخداد هنری کاملاً احساس می‌شود. یکی از جلوه‌های شاخص رخداد های هنری در «هنر های شهری» بروز می‌یابد که البته عمده اشکال آن چون فستیوال ها و گردهم آبی های هنرمندان عموماً در حوزه رخداد های رسمی هنر شناسایی می‌شوند. رضا خدادادی مدرس هنر در ارتباط با پیشینه و کارکردهای این شکل از ارائه هنر می گوید: مطالعات تاریخی بیانگر آن است که هنر پدیده‌ای جدانشدنی از جریان زندگی و تکامل شهری است.

روز به صدر

این روزها شهرهای ما تاجه اندازه با رخداد های هنری روبه رو می‌شود و فعالان هنر های تجسمی به چه میزان از تجربه خلق هنری در عرصه های عمومی استقبال نشان می‌دهند؟ خالی بودن پرسش بر انگیز شهر های ما از تکاپوی هنری حاصل چه شرايطی است و عوامل اثر گذار در این فقدان را در چه عرصه هایی باید جستجو کرد؟

در رصد فعالیت های این روز های هنر های تجسمی به نظر می‌رسد استراتژی غایب، پرداختن به هنری است که به واسطه مواضعش از مؤسسات و گالری های هنری دوری می‌جوید و با فضاهای رسمی ارائه‌ی هنر را به چالش می‌کشد. در غیبت این شکل از مواجهه با هنر، گالری‌ها با تمام تداعی های تاریخ هنری شان و به عنوان زمینه‌ای تمام کننده، همچنان اصلی ترین میزبانان ارائه‌ی هنر تجسمی باقی می‌مانند و نهایت چالشی که می‌پذیرند از حد تغییر رنگ و احیاناً چندان میخ اضافه تر کوبیدن به دیوار های شان فراتر نمی‌رود. غیبت این استراتژی در حقیقت به منزله‌ی چشم پوشی هنرمند از عرصه های عمومی جامعه و روی برگرداندن او از مجموعه‌ای بی‌نهایت از بازخوردهای حقیقی است؛ عرصه هایی

یادداشت

تأملی بر فرهنگ بصری امروز ایران

مخاطب عام هنر های تجسمی چه آثاری را می پسندد؟

انسیه عزیزپور

در سال ۲۰۰۶ پژوهشی در سطح جهانی انجام شد مبتنی بر اینکه مخاطبین عام هنر نقاشی چه نوع آثاری را می‌پسندند؟ حاصل کار این بود که روشن شد قاطبه مخاطبان عمومی آثار هنری عمدتاً به آثار طبیعت گرایانه گرایش دارند. اگر چه هر سرزمین و هر فرهنگ نیاز به پژوهش های خاص خود در این زمینه دارد، اما تصور غلطی است که فکر کنیم در دیگر کشورها همه مردم عاشق آثار پیکاسو یا کاندینسکی هستند. چون اگر کسی تاریخ هنر نخوانده باشد و منطق تصویری تاریخ هنر را نداند آثار کاندینسکی اصلاً برایش معنادار نخواهد بود، در واقع در تاریخ تصویر، آثار کاندینسکی نسبت به آثار قبل و بعد از خودش است که معنادار می‌شود و برای لذت بردن از آثار کاندینسکی حتماً باید پیش از آن آموزش دید و مطالعه داشت. در ارتباط با انتخاب های محدود مردم ایران در زمینه آثار تجسمی نیز یک علت اصلی وجود دار و آن فقدان آشنایی لازم مردم با هنر ایران است. به همین دلیل باید بستر آموزش برای آشنایی عمومی جامعه با هنر

ایران را فراهم کنیم؛ آموزش هایی که نباید شکل تخصصی داشته باشند چون به کار همه نمی‌آید. به این ترتیب است که می‌توان نوع نگاه جامعه را نسبت به هنر های تجسمی ارتقا داد. یکی از دلایل این که آثار نگارگری در ایران بیشتر خریداری و دیده می‌شوند، جذا از این که رسانه مهمی مانند تلویزیون با برنامه هایش این شاخه سنتی هنر های تجسمی را به عنوان هنر مشروع پشتیبانی می‌کند؛ این است که نگارگری از مدت ها پیش تبدیل به پوستر شده است و اگر به بازار چه کتاب خیابان انقلاب سری بزنیم، می‌توانیم پوستر های نگارگری بسیاری را برای خرید پیدا کرده، آن‌ها را قاب کنیم و به دیوار بزنیم. گروهی نیز اعتقاد دارند که اشکال فرهنگی در این زمینه، لغوی بودن تفکر ما ایرانیان است و از این رو است که ما مولانا، سپهری، شاملو و فردوسی را داریم اما فاقد معادل هایی از این دست در مسائل بصری هستیم. حتی مینیاتور های به وجود آمده در سرزمین مانیز مرتبط با اشعار و ادبیات است و مادر طول تاریخ هیچ وقت به صورت مستقل آثار نقاشی نداشته ایم و حتی یک تابلوی نقاشی جزو آثار کشف شده در حفاری های باستان شناسانه در ایران نبوده

است؛ چرا که ایرانیان تا قبل از اسلام بیشتر به دنبال تزئین و آراستن بودند تا بیان هنری. مادر دۀ کارهایی با ویژگی های مربوط به خودمان شاهکار ها داریم، اما چیزی به عنوان «هنر نقاشی» هیچوقت نداشته ایم و حس به وجود آوردن «هنر نقاشی» در مادر قرون اخیر و با توجه به نگاهی که همواره به تحولات غرب داشته ایم و بسیار هم تحت تأثیر آن هم بوده ایم، به وجود آمده است. به نظر می‌رسد راه چاره در این خصوص امکان پایه گذاری فرهنگ بصری و ویژه ای است که در خدمت ادبیات نباشد و به طور مستقل در آثار هنری بروز یابد. بر این اساس به نظر می‌رسد توجه به هر گونه هنری اعم از سنتی، مدرن یا معاصر نیازمند آموزش است و چنین آموزشی در سطوح مختلف و به شکل های متفاوت باید اتفاق بیافتد. بخشی از این آموزش، آموزش های دوران کودکی و دوره تحصیلی ابتدایی است که نقش اساسی در شکل گیری بینش هنری و فرهنگی آدمی دارد. قسمتی از آن هم مربوط می‌شود به کاری که رسانه های جمعی می‌کنند؛ به خصوص رسانه قدرتمندی مثل تلویزیون که بر د رسانه‌ای زیادی دارد و در این میان می‌تواند تأثیرات بسیاری داشته باشد. اما متأسفانه